

بررسی دوره ماد بر طبق منابع آشوری و یونانی

دکتر مهرناز بهروزی

استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

منصور حمدالله زاده

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

mansour.hamdollahzadeh@srbiau.ac.ir

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۲)

چکیده

منابع آشوری و یونان باستان در باره حکومت ماد در نیمه اول هزاره اول پیش از میلاد مورد بررسی این مقاله بوده تا جامعیت این منابع، درباره تاریخ ماد، مورد سنجش قرار گیرد. سنگ نوشته ها و کتیبه های برجای مانده از آشور و همین طور منابع برجای مانده از مورخان به نام یونان باستان، از ارزشمندترین منابع موجود در این باره است. این مقاله به بررسی کتابها و مقالات در دسترس فارسی و انگلیسی مربوط به قرون نهم تا ششم قبل از میلاد در منطقه تحت حکومت ماد و نتایج حاصل از آن پرداخته است و از آنجائی که روش بررسی توصیفی - تحلیلی بوده و پژوهش در این مورد به کتابها و مقالات مرتبط محدود گردیده است، به همین جهت روش کیفی در تجزیه و تحلیل مطالب مورد نظر قرار گرفته است. در نهایت به شواهد موجود و دلایل معقول ناشی از توصیف و تحلیل آنها پرداخته ایم که عدم جامعیت تاریخ ماد را از منظر این دو منبع و همین طور عدم بی طرفی ایشان در ذکر مطالب مربوط به ماد نیز مورد تایید قرار داد.

واژگان کلیدی: ماد - آشور - منابع یونانی - منابع آشوری

مقدمه

ص ۳۸) که به اعتبار خدای خود، آشور نامیده می شدند. وضعیت اقلیمی یکی از دلایلی بوده که از آنان جنگاورانی قابل بسازد که همین امر یکی از دلایل تعرض ایشان به همسایگان خود گردیده و نهایتاً توسط اتحادی به محوریت مادها^۳ از بین رفته و منقرض می گردند. آشور سالیان درازی حاکم بلامنازع منطقه میان رودان و در زمانهایی نیز از غرب (مصر^۴) تا شرق (بیابانهای مرکزی ایران و دامنه های کوه دماوند) (گیرشمن، ۱۳۹۴: ۸۷؛ کامرون، ۱۳۹۶، ص ۱۱۳) بوده است. دوران حکومت آشوریان را به سه دوره قدیم، میانه و جدید می توان تقسیم کرد که به لحاظ موضوعیت در اینجا به دوره جدید اشاره می کنیم.

آشور نو

این دوره با سرکار آمدن ادد نیراری دوم^۵ به سال ۹۱۱ ق.م شروع می شود و تا سقوط نینوا توسط ماد در سال ۶۱۲ ق.م. ادامه دارد (پیرنیا، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۱۴).

شلمانصر سوم^۶ (۸۵۹-۸۲۴ ق.م.)

اولین پادشاه آشور هست که در کتیبه اش در سال ۸۳۴ ق.م نام ماد را (امادای) ذکر می کند. وی در وقایع نگاری بیست و پنجمین سال حکومتش از آمادای سخن می گوید و با توجه به ادبیات بکار رفته می توان چنین برداشت کرد که آشوری ها در آن تاریخ، مدت هاست با ماد در ارتباط بوده و ماد و مردم

مادها در زمره نخستین ملت هائی هستند که برای آزادی و استقلال و رهائی از ظلم و ستم آشوری ها قیام کرده اند. این بیان هرودت برای توصیف مادها می باشد. اتحاد قبایل بومی و آریائی و تشکیل حکومتی واحد و ساختن ارتشی قوی برای مقابله با ظلم و استبداد و تاسیس پادشاهی قدرتمند که به نظر می رسد سخت تر و توان فرساتر از کاری بوده که اخلاف ایشان در اواسط قرن ششم قبل از میلاد انجام دادند و از طرفی پیوند تاریخ اساطیری با دوران تاریخی ایران، از دلایل اهمیت مطالعه این بخش تاریخ ایران می باشد. از این دوره در داخل کشور، جز آثاری اندک در دسترس نمی باشد. اما در بین آثار خارجی چندین منبع برای این دوره وجود دارد که مهمترین آنان منابع آشوری و منابع یونان باستان می باشد.

روش بررسی

با استفاده از روش های متداول مربوطه به این نوع پژوهش ها، تلاش شده تا دو منبع مهم آشوری و یونانی درباره تاریخ ماد، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته تا میزان جامعیت این منابع در تاریخ ماد مورد سنجش و سپس بتواند پاسخی مناسب برای میزان بی طرفی و امانتداری ایشان، پیدا نماید.

منابع آشوری

در حدود قرن هفتم هزاره سوم پیش از میلاد در سرزمین های شمالی و حدود پانصد کیلومتری بابل^۱ مردمی از نژاد سامی^۲ می زیسته اند (لازار، ۱۳۸۸،

۴ Egypt
۵ Adad-nirari II
۶ Shalmaneser III

۱ Babylon
۲ Semites
۳ Median

مناطق کشور مادها را متصرف می شود. سند این حمله، ستون سنگی وی است که در موزه استانبول نگاهداری می شود ترجمه موجود سنگ ستون توسط اپنهیم^{۱۱} و لاوسون^{۱۲} یانگر انجام یافته است^{۱۳}. (Luckenbill, 1926, Vol I :260).

تیگلت پیلسر سوم (۷۵۴-۷۲۷ ق. م.) در لشکرکشی ۷۴۴ ق. م که اختصاص به نامرو، پارسوا و بیت زاتی و بیت آبدادانا و بیت کاپسی و بیت تازاکی داشته و در سالنامه‌های مزبور جنگ‌هایی را که در سرزمین‌های پارسوا که پایتخت آن نیکور بوده و بیت زاتی و تا حدی آبدادانا^{۱۴} و بیت سانگی و بیت کاپسی و دیگر کیشه سو و آرازپاش و سومورزو و بیت همبان وقوع یافته بود، بر می‌شمرند و پس از آن فهرستی از حکامی که سر به اطاعت نهاده بودند، می‌دهند (Ibid, 269) نتا نانت انا نا.

سارگون دوم (۷۲۲-۷۰۵ ق. م.) کتیبه سارگن دوم^{۱۵} در تنگی‌ور^{۱۶}، خطوط کتیبه قابل مشاهده کامل نیست. کتیبه در پای کوه «شاهو» از کوه‌های معروف کردستان می‌باشد (Ibid, 100).

سناخریب (۷۰۵-۶۸۱ ق. م.) سناخریب پسر سارگن دوم بود که بعد از پدر بر تخت می‌نشیند. دوران سناخریب بر خلاف

آن کاملاً نام آشنا و شناخته شده هستند^{۱۷}. (Luckenbill, 1926, Vol I :200).

شمشی ادد پنجم (۸۲۴-۸۱۱ ق. م.) سالهای اول حکومت وی با سرکوب بحران‌های داخلی همراه بوده و این موجب غفلت از متصرفات پادشاه قبلی (شلمانصر سوم) و احیانا استقلال مجدد آنان شده است حاکمان اورارتو به سواحل دریاچه ارومیه آمده و گیلزان را تصرف و با مانائها (حمدالله زاده، ۱۳۸۹، ص ۴۳۳) درگیر شده و پیروزی بزرگی را به دست می‌آورند. ملکه شمورامات^{۱۸} معروف، همسر این شاه بوده که به احتمال باید همان سمرامیس شاهزاده بابلی باشد، پیرنیا (مشیرالدوله) بر این عقیده است که سمیرامیس زن اددنیراری سوم بوده است (پیرنیا، ۱۳۹۱، ص ۱۴۸).

اددنیراری سوم^{۱۹} (۸۱۱-۷۸۳ ق. م.) برخی گزارش‌ها دال بر آن است که دلیل نفوذ شمورامات ملکه و مادر وی، پنج سال ابتدای حکومتش فردی ضعیف و آشور دچار بحران بوده است، او پدر چهار پادشاه بعد از خود می‌باشد البته بر سر این که تیگلت پیلسر سوم^{۲۰} پسر اددنیراری هست و یا نوه او، اختلاف است، وی حمله‌ای به غرب آشور انجام می‌دهد و از سوی شرق نیز فتوحاتی کرده و تا دریایی که به گفته خودش محل طلوع خورشید است؛ پیشروی کرده و بسیاری از

^{۱۴} ابدادانا منطقه‌ای در غرب سرزمین ماد، که در کتیبه‌های سلطنتی آشوری نو به آن اشاره شده است. (for references see S. Parpola, *Neo-Assyrian Toponyms*, Neukirchen-Vluyn, 1970, p. 2).

^{۱۵} Sargon II
^{۱۶} روستای تنگی‌ور، در ۴۵ کیلومتری شمال غربی شهر کامیاران استان کردستان ایران

^{۱۷} این کتیبه بروی سنگ ستون سیاه رنگی نوشته شده و در حال حاضر در موزه بریتانیایی انگلستان (British Museum) نگاهداری می‌شود.

^{۱۸} Shammuramat

^{۱۹} Adad-nirari III

^{۲۰} Tiglath-Pileser III

^{۱۱} A. Leo Oppenheim

^{۱۲} K. Lawson Younger

^{۱۳} www.ancientmesopotamia.org

فرورود او در جنگ با برادران پیروز شد و در همان سال به پادشاهی نشست کتیبه ای بروی سنگ ستون از وی به جای مانده که در موزه بریتانیا نگهداری می گردد. در روزگار اسرحدون ماد باجگزار آشور بود. در این زمان (۶۷۶ ق.م.) مردم ماد خاوری بر فرمانروایان گمارده آشور شوریدند و سه تن از این فرمانروایان را از سرزمینشان راندند. پس آشوریان به ایران لشکر کشیدند و از دشت کویر گذشتند و به پای دماوند (بیکنی) رسیدند. آشوریان در پدشخوار دو تن از بزرگان ایران به نام‌های شی تیرپرنه (به معنای افتخار پیشینان) و دیگری پارو را با کسان و دام‌هایشان به بند کشیدند. از آن پس فرمانروایان رانده شده به سرزمین‌هایشان بازگشتند و باجی سالیانه به آشور می پرداختند. میان سال‌های ۶۷۴-۶۷۳ ق.م. مردم ماد که به یاری سکاها به سربازان آشوری می تاختند باز در برابر آشور پایداری کردند و از دادن باج خودداری نمودند. ایلام نیز آماده شورش بر آشوریان بود. بدین سان مردم سرزمین‌های میان خلیج فارس تا رود کورا در آستانه جدایی از آشور بودند. در این میان خشتریه از ایالت مادی کارکاشی در کنار دو رهبر دیگر ماد مامی تیارشو از مادای و دوساننی از ساپاردا رهبری شورش مادها بر آشوریان را آغاز کردند. اینان با پادشاهان سکا و مانایی‌ها هم پیمان شدند. (علیزاده، فیروزمندی، ۱۳۹۱) اینان دژهای آشوریان را در چند جبهه محاصره کردند. تا ماه آوریل سال ۶۷۳ سراسر ماد مرکزی بر آشور شوریده بود. در سوی دیگر پادشاهی آشور نیز فنیقیه دچار آشوب بود و دولت آشور در جنگ با مصر باستان بود. در درون آشور نیز بسیاری از بردگان و کشاورزان ناخرسند گریخته و به

پادشاهان قبلی آشور که لشگرکشی‌های زیادی داشتند، کمتر شاهد حمله‌های نظامی هستیم، از جمله در سال ۷۰۲ ق.م. به ایلام و ماد یورش برده و به هنگام برگشت کتیبه ای از خود بر جای گذاشت: کتیبه ای که از وی برجای مانده حاکی از لشگرکشی سناخریب به شرق و سرزمین ماد بوده "... در موقع بازگشتم، من دریافتم احترام ماد دور را و همچنین ۳۶ پادشاه را که پدران من نام آنها را نشنیده بودند و یوغ حکومتم را بر آنها نهادم..." این کتیبه بر روی ستون سنگی نوشته شده که در موزه شیکاگوی آمریکا نگهداری می شود. او پایتخت آشور را از شهر تازه پدرش دور-شاروکیان به شهر کهن نینوا تغییر داد. چند سال پس از آن (حدود ۶۹۴ ق.م.) دوباره از طریق رود به سوی خلیج فارس یورش بردند این خبر وقتی به گوش هالشو اینشوشیناک پادشاه شوش می رسد از نبود سناخریب در منطقه شما بابل استفاده کرده و به آنجا حمله ور می شود و بابل را فتح نموده و دست نشانده خود را در بابل حاکم نموده و بر می گردد و در این نبرد پسر سناخریب را هم اسیر و با خود به ایلام آورده و اعدام می کند. زمانی که سناخریب مراجعت نمود بابل را دوباره فتح و ویران می کند و سپس به تلافی کشته شدن پسرش به ایلام حمله و در آنجا نیز قتل و غارت فراوانی انجام می دهد. وی در نهایت توسط پسران خود برکنار می شود (Ibid, 160).

آسرحدون^{۱۷} (۶۸۱-۶۶۹ ق.م.)

او کوچک‌ترین پسر سناخریب است. وی پس از کشتن دو برادرش در نینوا شاه شد که این واقعه باعث شد تا امپراتوری آشور به جنگ داخلی و هرج و مرج

منابع یونان باستان

حدود ده قرن قبل از میلاد، در نقاط مختلف یونان، اجتماعات و شهرهای مستقل و منفردی به وجود آمدند که آنها را پولیس می نامیدند. دولت آتن در آغاز قرن پنجم ق.م. مقتدرترین دولت یونان بود که در سال ۵۱۰ ق. م دارای حکومت دموکراسی شد. در سال ۳۳۸ ق.م. فیلیپ دوم پادشاه ناحیه مقدونیه، بر سراسر یونان دست یافت. پس از او پسرش اسکندر به حکومت رسید و فتوح فراوانی به دست آورد. پس از مرگ اسکندر امپراتوری بزرگ یونان تجزیه شد و سرانجام در قرن دوم ق.م.، یونان جزئی از امپراتوری روم گردید (خدادادیان، ج ۲، ۱۳۸۵، ص ۱۰۷۱).

هرودوت (۴۸۴-۴۲۴ ق. م.)

هرودوتوس اهل هالیکارناسوس^{۱۹}، از زندگانی هرودوت به جز متونی از سوئیداس^{۲۰} و اتین^{۲۱} اهل بیزانس و نیز متنی از اوزب^{۲۲} و بعضی متون دیگر اطلاع زیادی در دست نیست^{۲۳}. نویسنده مجموعه کتاب هائی دارد به نام تواریخ. صرف نظر از بحثی که در مورد صداقت و راستگویی هرودوت بین دو مکتب انگلیسی و فرانسوی وجود دارد، مساله دیگری نیز که درباره هرودوت شایان توجه می باشد بصیرت وی است که آیا او می تواند یک شاهد عادل و یک قاضی بی طرف بوده باشد؟ یا به عبارت بهتر به فرض اینکه هدف او جستجوی حقیقت و صدق گفتار بوده آیا شخصا قادر بوده است پس از مشاهده و قضاوت وقایع، صحت و درستی آنها را تشخیص دهد

بخش جنگلی پشته ارمنستان پناه برده بودند. اسرحدون به ناچار پیش از هرکاری بدانجا لشکر کشید تا گریختگان را باز به بندکشد. پس از آن در ۶۷۲ (ق.م.) اسرحدون کوشید تا با خشریتی از در آشتی درآید (Luckenbill, 1926, Vol I :199).

آشوربانیپال (۶۶۸-۶۲۵ ق. م.)

".... آنها تسلط بر روی زمین را به من واگذار کردند..... من نوشتم بر روی آن من به جای نهادم این سنگ نوشته را برای ترغیب شاهان و پسران من در آینده باشد که امیری در میان شاهان پسران من که او را آشور و خدایان بزرگ برای تسلط بر روی زمین و مردم نامزد کند. این ستون و تحسین خدایان بزرگ را ببیند و باشد که به تدفین آن پردازد و قربانیها بکند اما آنکه آن مجسمه را از جای آن بردارد آشور و خدایان بزرگ و آن عده که روی این ستون نام برده شدند با نظر خشم به او نگاه کند. باشد که به طرفداری او در یک برخورد سلاحها در میدان جنگ برخیزند و باشد که آنها او را راهنمایی نکنند. (... باشد که آنها هم حکم شاهی او را براندازند و باشد که آنها نامش و تخمه اش را در زمین ضایع کنند"^{۱۸} این کتیبه در کوه های نزدیک روستای گل گل از توابع ملکشاهی ایلام واقع شده است (Ibid, 290). همین طور صفحه بزرگ سنگ آهکی با نقش کنده در اتاق ۳۳ جنوب غربی کاخ نینوا به دست آمده که نشانگر پیروزی وی بر قوم شرقی از جمله ایلام می باشد (سودایی، ۱۳۹۴)

^{۱۸} این کتیبه نزدیک روستای گل گل در ۲۵ کیلومتری ایلام مابین

ملکشاهی می باشد.

^{۱۹} نام شهری در یونان باستان در ساحل کاریا در آناتولی بوده است. شهر باستانی هالیکارناس، در ترکیه امروزی، در استان آیدین قرار دارد. در این مکان جنگ هالیکارناس بین اسکندر مقدونی و هخامنشیان درگرفت.

^{۲۰} Suidas

^{۲۱} Etienne

^{۲۲} Eusebe

^{۲۳} کتابخانه دیجیتال دانشگاه تافت امریکا

می کند (گزنفون، ۱۳۹۲، ص ۱۹؛ گزنفون، ۱۳۸۴، ص ۴۵).

کتزیاس (۴۴۱-۳۹۲ ق.م).

کتزیاس در قرن پنجم و چهارم قبل از میلاد زندگی می کرد اهل کنیروس بود و در جنگ با داریوش دوم هخامنشی و همسر وی پروشات یا پریزاد پزشک ایشان می شود. وی به دفاتر پادشاهی دسترسی داشته (بازیلیکا دیفترای). وی دو کتاب به نامهای پرسیکا درباره تاریخ ایران و اندیکا در باره تاریخ هند دارد. راجع به مادها و هخامنشیان نیز مطالبی نوشته است. علت روی آوردن وی به تاریخ نویسی رقابت با هرودت بوده و برای همین هست که عکس نوشته های هرودت را نوشته با وجود کیفیت اشتباه نوشته های وی نمی توان به کل از نوشته های وی چشم پوشی کرد چون مدت زیادی در ایران بوده و با اخلاف ماد ارتباط داشته است.

پرسیکا درباره تاریخ پارس است که به قول خود وی برای نگارش آن از سالنامه های رسمی ایرانی استفاده کرده است و ایندیکا شرح مختصری درباره تاریخ هند است که بنا بر اظهار وی، برای نگارش آن از اظهارات شفاهی و مشاهدات خویش بهره گرفته است. اصل کتاب های کتزیاس راجع به ایران و هند (پرسیکا و ایندیکا) به ما نرسیده و نابود شده است، ولی مختصری از آن در نوشته های فوتیوس، یکی از روحانیون مسیحی، ذکر شده و باقی مانده است. از قسمت هایی از نوشته های او که تا زمان ما باقی مانده، دو چیز به خوبی دیده می شود:

تا خوانندگان خود را از روی سهو و خطا، دچار اشتباه نکند.

از مباحث مختلف پیرامون هرودوت، مباحث ذیل قابل طرح می باشد: نخست راستگویی هرودوت در مقام محقق و تاریخ نگار و بصیرت و روشن بینی وی. زادگاه هرودوت در دوران زندگی وی جزو خاک ایران هخامنشی بوده اما با تاثیر زیاد فرهنگ یونانی با توجه به این مطلب، تا چه حد ممکن است فشارهای سیاسی و حکومتی در نظرات وی تاثیر داشته باشد تا بتوان به مطالبی که در باره ماد و سرزمین های ایران آن زمان به گونه ای که در مباحث دیگر می آید اعتماد و تکیه کرد. شاید بتوان گفت تاریخ هرودوت در واقع تاریخ یونان می باشد و آن چه که در مورد شرق نوشته بیشتر جنبه آموزشی داشته است (ملکزاده، ۱۳۸۰).

گزنفون^{۲۴} (۴۳۰-۳۴۵ ق.م).

گزنفون یا زنفون اهل آتن، مورخ یونان باستان است که سالیان درازی از زندگی خود را در آسیا گذراند. وی بعدها به عنوان سپاهی اجیر در لشکرکشی کوروش کوچک بر ضد برادرش اردشیر دوم شرکت داشت و پس از مرگ کوروش کوچک، سپاهیان بازمانده یونانی را توانست از طریق ماد و آسیای صغیر به یونان برساند. در دو اثر وی به نام اناباسیس^{۲۵} و سایروپدیا^{۲۶} مطالبی در باره ایران دوران ماد وجود دارد. گزنفون رشد و تربیت کوروش را در بارگاه اوستیاگ دانسته و معتقد است آخرین پادشاه ماد دلبستگی ویژه ای به کوروش داشته و مطالبی شبیه مطالبی که هرودوت در باره وی معتقد است را گزارش

و احوال ایران به خوبی مطلع بودند، هیچگاه تلاشی در ثبت حقیقی وقایع تاریخی نمودند. در تالیفات دینون، حکایت‌هایی که حاکی از حوادث خارق العاده باشد، فراوان است (به خصوص راجع به هند)، و چون شرح داستان‌های تاریخی برای مردم آن زمان لذت بخش و جذاب بوده است، کتاب‌های او در نظر مورخان قرون بعد اهمیت بسیار داشته و تعدادی از مورخان مانند پلوتارک، الی‌ین، کرنلیوس، تروگ پومپه از کتب او استفاده کرده‌اند. اما اصل تالیفات او مفقود شده و تنها بخشی از آنها توسط مورخان قرون بعد به دست ما رسیده است. محقق منبع مشخصی از این مورخ نتوانست چه به زبان انگلیسی و چه فارسی به دست آورد. اما به لحاظ اهمیت وی مقاله ای که در ایرانیکا منتشر گردیده که نیاز به جستجوی بیشتری خواهد داشت، آورده شده است (Schmitt, 1992).

بروسوس / بروس کلدانی

مورخ اهل یونان است که اصلش از بابل می باشد. وی در قرون سوم و دوم ق.م. می زیسته است. محل زندگی او تحت تاثیر فرهنگ یونانی و در حاکمیت سلوکیان قرار داشته است. وی کتابی دارد به نام "تاریخ بابل" در سه جلد و صورت اصلی این کتاب به صورت "خالدایکا" بوده است. کتاب تاریخ وی "بابیلونیکا" بیشتر شامل افسانه‌های باستانی می باشد. وی بعد از بیان افسانه‌ها وارد تاریخ می شود و نکاتی را در باره ماد و هخامنشیان و مطالبی در زمینه فتح بابل به دست کوروش نوشته است (بروسوس، ۱۳۸۶: ۵۹) ولی در باره ماد اشتباه کرده و آنچه که در باره ماد می نویسد در واقع درباره قوم کاسی‌ها هست (Diakonoff, 1993). این کتاب فعلا مفقود است ولی در آثار نویسندگان بعدی قطعاتی از این

- عشق به اسپارت و سرداران او مانند لئونیداس و کلئارک
- میل به اینکه در گزارش‌های خود حکایت افسانه آمیز و حزن آور داخل کند.

کتزیاس در باره آشور و ماد و برخی اتفاقات مابین این دو را گزارش نموده است. وی معتقد است سمیرامیس که ملکه قدرتمند آشور شده بود با سپاهی بزرگ به سرزمین ماد حمله ای می کند وی بعد از تسخیر قسمتی از ماد، اردوگاه زده و بر صخره‌ها آثاری از پیروزی های خود حکاکی کرده و به یادگار می گذارد (کتزیاس، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹) وی همچنان پیدایش ماد را در گزارش های خود آورده و نیز معتقد است که در دربار ایرانیان (ماد و هخامنشیان) برای ثبت رویدادهای خود از چرمینه های سلطنتی استفاده می کردند (همان، ۸۰).

دینون

مورخ یونانی قرن چهارم قبل از میلاد مطالبی در مورد جنگ کنکسار و فتح دوباره مصر دارد. وی مدتی در دربار هخامنشی بوده و منابع اصلی وی مفقود می باشد. این مورخ یونانی معاصر فیلیپ مقدونی بود (۳۵۹-۳۳۶ ق. م) او کتاب‌های بسیاری راجع به دولت‌های آسیایی نوشته و چون زمانی در دربار اردشیر دوم هخامنشی بوده، از ایران هم سخن گفته است. تاریخ او از تاسیس دولت آشور آغاز می شود و به تسخیر مصر به دست اردشیر سوم پایان می پذیرد؛ اما این مورخ نیز مانند برخی دیگر از مورخان نظیر هارس میتیلی و کتزیاس بیشتر افسانه پرداز و داستان سرای تاریخی هستند. با وجود اینکه برخی از این مورخان در دربار هخامنشی به سر می بردند و از اوضاع

ممالک شرقی ذکر شده در متون آشوری که از قرن نهم شروع می شود شامل این موارد می شوند :

- نزدیک کشور آشور، زاموآ قرار داشت که شامل منطقه سلیمانیه عراق و مناطقی در همسایگی با ایران می شد.
- کمی آن طرف تر زاموآی داخلی قرار داشت که از سرچشمه های دریاچه زاب صغیر شروع شده و به طرف شمال تا کرانه های دریاچه ارومیه امتداد داشت.
- کمی دورتر به طرف شرق سرزمین مانا و آلابریا و سایر کشورها قرار داشت. مانائیهها مناطقی از مسیر میانی زرينه رود به سمت شمال شرقی ارومیه را اشغال کرده بودند. زیبیه یا زیویه، یکی از قلعه های نظامی مانائی ها در تپه ای نزدیک روستای زیوه کشف شده است که شامل قلعه نظامی مانائی ها در آن زمان بوده است.
- نزدیکتر به سرزمین آشور و نه زیاد دور از مرکز مانا سرزمین آلابریا وجود دارد.
- در جنوب مرکز مانا کشور پارسوا یا پارسوماش وجود دارد که در متون آشوری قرن نهم و هفتم ق.م. بدان اشاره گردیده است.

یکی دیگر از ممالکی که در متون آشوری بدان اشاره شده پارساماش یا پارسوماش است. این کشور خیلی دورتر در جنوب و نزدیک مرزهای ایلام قرار داشت. به نظر می رسد وجود این نام در مناطق مختلف بدین خاطر است که قبیله های متفاوت در آنجا استقرار داشتند و هر یک به نحوی با یکی از سرزمین های پارس در ارتباط بودند. (زرین کوب، ۱۳۹۶)

کتاب پیدا می شود و نهایتاً این اثر به وسیله همین قطعات باز سازی شده است.

پولیویوس / پولیب (۱۲۵-۲۰۵ ق.م).

مورخ یونانی فیلون آرییلوس، مورخ قرن دوم میلادی و اهل بیلوس از شهرهای فنیقیه صاحب کتاب "تاریخ فنیقیه" که در واقع ترجمه ای است از کتابهای قدیم تر متعلق به سان خونیا تون. امروزه در مورد وی شک دارند و احتمال می دهند شخصیت وی افسانه ای باشد. در خلال این کتاب مطالبی در باره ایران باستان و ماد وجود دارد ولی اصل کتاب مفقود است و سویوس قیصریه در قرن سوم کتاب فیلون را بازنویسی کرده است (Frye, 1984: 170).

ماد

ماد، و تاریخ آن مطمئناً قسمت عمده ای از تاریخ این سرزمین بوده که در عصر و سده های اخیر که علوم مختلف از جمله باستان شناسی و در پی آن تاریخ، پیشرفت قابل ملاحظه ای کرده، کمترین سهم را در پژوهش ها و بررسی ها به خود اختصاص داده است (خدادایان، ۱۳۸۹: ۱۱۶). این مهم شاید به دلایل عمده ذیل بوده باشد :

- عدم شناسائی آثار از جمله سنگ نگاره ها
- از بین رفتن زود هنگام تمدن ماد
- از بین رفتن منابع موجود در کتابخانه ها و بایگانی های شاهی در زمان ورود اعراب
- اهداف سیاسی
- کمبود شدید منابع مستقیم
- سختی کار بررسی و پژوهش بعد از گذر سالیانی دراز.

بررسی دوره ماد بر طبق منابع آشوری و....

در یک کتیبه ی یافت شده در شمال همدان که به زبان اکدی است و به وسیله هرتسفلد منتشر شده و به قرن دهم یا نهم ق.م. برمی گردد، نام شاه شلیس رو حک شده است ولی نام کشورش نوشته نشده است، با این وجود نام ابدادانه در میان کشورهای متخاصم با شاه شلیس رو ذکر شده است کتیبه به ما می گوید که چگونه بعضی از اتباع از مالیات طبیعی خاصی معاف بودند (هرتسفلد، ۱۹۶۸: ۲۳۸).

با توجه به متون آشوری مربوط به قرن های نهم و هشتم ق.م.، کشورهای بسیاری در شمال غرب ایران وجود داشته اند. وسیع ترین ممالک (مانند پارسوا و دیگر کشورها) از لحاظ سیاسی متحد نبودند و به استان های کوچک تقسیم شده بودند. سالنامه های آشوری مربوط به سال ۸۲۰ ق.م. حرکات ارتش را در چندین کشور و تبعیت از ممالک بزرگتر (مانائی ها و دیگر کشورها) را نشان می دهند. و نام ۲۸ حکمران کوچکترین ممالک غربی و شمالی ارومیه و شمال پارسوا نیز در آن ذکر شده است (Luckenbill, 1926, VoI I:200).

اطلاعات به دست آمده به وسیله متون آشوری از قرن نهم ق.م.، شامل داده های عددی در مورد تعداد جنگجویان کشته شده محلی، اسیران و مقدار غنایم جنگی، نکاتی در مورد جمعیت قلمرو های منتخب، و مناطقی با استحکامات مرکزی، و همچنین منابع مهمی در مورد این جوامع کوچک و در کل استانهای غربی ایران را ارائه می کنند. در کنار اطلاعات مربوط به اسیران، اطلاعاتی در مورد چهار پایان بزرگ و کوچک و در مورد اسبهای بارکش و مسابقه ای نیز آورده شده است. اطلاعات در مورد اسبها برای ارتش آشوریان مهم بود، از طریق استانهای ایران آشوری ها مقدار عظیمی فلزات (شامل: برنز، مس، طلا، نقره و غیره)

در قالب اشیاء زینتی که به طور هنرمندانه ای ساخته شده و دارای ارزش بالائی بودند، و همچنین مواد معدنی را صادر می کردند (Ibid:358).

نسخه های مختصر سالنامه های آشوری به تولیدات کشاورزی حاصل از زمینهایی که از غنایم و تاراج به دست آمده بودند، اشاره ای نکرده اند. اما اطلاعات تشریحی به دست آمده از منابع قرن هشتم ق.م. یک پیشرفت و توسعه وسیعی در کشاورزی شکوفای مناطق مختلف شمال غرب ایران را نشان می دهند. برخی منابع اولیه نقش کشاورزی، باغبانی و صنعت شراب سازی را نشان می دهند، و همچنین متون قرن نهم ق.م. وجود سکونت گاهها و مراکز بسیاری را با کشاورزی پیشرفته در حومه آنها تایید می کنند (استرابو، ۱۳۵۵: ۳۲۹).

به نظر می رسد یک مانع بر سر راه تشکیلات سیاسی بزرگ، تنوع نژادی و زبانی آن زمان ایران در ممالک مختلف بود. شش تا هشت گروه زبانی در غرب ایران شناسائی شده اند، ولی در حقیقت بیشتر از این تعداد در این منطقه وجود داشته است (راوندی، ۱۳۵۴: ۲۲۰). معمولاً منابع آشوری به همبستگی های قومی جمعیت این مناطق اشاره ای نکرده اند، فقط به نام بردن کشورها، استانها و ایالات بسنده کرده اند.

سارگون دوم در سال ۷۱۳ ق.م. - لشکرکشی به شرق را آغاز کرد. مادها از سال ۷۱۴ ق.م. منتظر حمله بودند و از آن بیم داشتند. بهانه این لشکرکشی شورش بود که در ناحیه کارالا، وقوع یافت و ساکنان آنجا مردی را که دست نشانده آشوریان بود طرد کردند و سارگون دوم ساکنان کارالا را قلع و قمع کرد و از آنجا

در تاریخ ایران به شمار آورد (فرای، ۱۳۶۹، ۱۱۹). مجموعه لشکرکشی‌های آشور به سرزمین ماد در قرن هشتم ق.م و خطر حمله از غرب به وسیله دولت توانمند آشور، نیاز تشکیل یک دولت متمرکز را برای مادها که جدیدترین مهاجران به زاگرس بودند، به وجود آورد.

شاهان ماد

هرودوت تعداد شاهان ماد را چهار نفر دانسته است و اسامی آنان و مدت سلطنت آنها را چنین ذکر کرده است:

- دیاکو، موسس سلسله ماد، (۵۳ سال).
- فرورتیش (۲۳ سال).
- کیاکسار - هوشتره، (۴۰ سال).
- آستیاگس (۳۵ سال).

و در نهایت مدت سلطنت آنها را یکصد و پنجاه سال می‌داند (هرودوت، ۱۳۸۹، ج ۱: بند ۹۶).

اما کتزیاس می‌گوید تعداد شاهان ماد نه نفر بوده است:

- آرباکس (۲۸ سال).
- مانداکس (۵۰ سال).
- سوسارمس (۲۸ سال).
- آرتی کاس (۵۰ سال).
- آریانت (۲۲ سال).
- آرته یس (۴۰ سال).
- آرتی نسی (۲۲ سال).
- استی باراس (۴۰ سال).
- اسپاداس یا آستی گاس (۳۵ سال).

عازم الی پی^{۲۷} و ماد گشت؛ و پس از ورود به الی پی، تالتا^{۲۸} پادشاه آنجا را بر سریر سلطنت کارالا مستقر ساخت. این عمل بدان سبب ضرورت یافت که پادشاه مزبور طرفدار آشور بود. لشکریان آشور از آنجا به داخل ماد رهسپار شدند. رهبر شورشیان یکی از حاکمان محلی آزوکتو از قلعه - خوباخنا بود. آشوریها قلعه خوباخنا و بیست و پنج سکونتگاه دیگر را تصرف کردند. شورش سرکوب گشت و تالتا دوباره حاکم الی پی گشت.

آنچه از متون آشوری برمی‌آید، آن است که مادها از سده نهم تا هفتم ق. م نتوانسته بودند چنان پیشرفتی بیابند که سبب هم‌گرایی و اتحاد و سازمان‌یافتگی قبایل و طوایف پراکنده ماد بر محور یک رهبر و فرمانروای برتر و واحد - که بتوان وی را پادشاه کل سرزمین‌های ماد نشین نامید - شده باشد. پادشاهان آشور در ضمن لشکرکشی‌های پرشمار خود به قلمرو سکونت مادها، همواره با شمار فراوانی از «شاهان محلی» (حاکمان مستقل شهرهای مختلف) روبه‌رو بوده‌اند و نه یک پادشاه واحد حاکم بر کل سرزمین‌های ماد نشین. شاهنشاهی ماد در زمان هوشتره به بزرگ‌ترین پادشاهی غرب آسیا حکومت می‌کرد و سراسر ایران را آن چنان که در بررسی جغرافیای سرزمین ماد معلوم می‌شود برای نخستین بار در تاریخ به زیر یک پرچم آورد (دیاکونف، ۱۳۸۶، ص ۳۶۷).

هوشتره بنیانگذار اولین قدرت ایرانی بود. پایه‌گذاری دولت ماد به عنوان نخستین دولت بر پایه وحدت اقوام مختلف ساکن فلات ایران با مشترکات و پیوندهای فرهنگی را باید به عنوان مهم‌ترین رویداد

به روایت وی مدت سلطنت آنها سیصد و پانزده سال بوده است (کتزیاس، ۱۳۹۰: ۱۷۹).

انقراض دولت ماد

با شکستی که کوروش (۵۵۰ ق. م) بر ایشتویگو (حک: ۵۸۵ - ۵۵۰ ق. م) واپسین پادشاه ماد وارد ساخت شاهنشاهی ماد منحل شد. شاهنشاهی بزرگ ماد (۷۲۸ - ۵۵۰ ق. م) جای خود را به شاهنشاهی هخامنشی سپرد، که چیزی جز تداوم دولت و تمدن ماد با همان اقوام نبود (سانسیسی، ۱۳۸۸: ۳۳).

نتیجه گیری

تمدن ماد توانست در بنای مدنیت سهم بزرگی داشته باشد. ایشان سبب آن بودند که پارسیها، به جای لوح گلی، کاغذ پوستی و قلم برای نوشتن به کار ببرند و به استعمال ستونهای فراوان در ساختمان توجه کنند. قانون اخلاقی پارسیها که در زمان صلح، صمیمانه به کشاورزی پردازند، و در جنگ متهور و بی باک باشند، و نیز مذهب زردشتی ایشان و اعتقاد به اهورمزدا و اهریمن و سازمان پدرسالاری، و قوانین دیگر پارس که از شدت شباهت با قوانین ماد سبب آن شده است که در کتاب دانیال نبی: «تا موافق شریعت مادیان و پارسیانی که منسوخ نمی شود» ذکر آنها با هم بیاید همه ریشه مادی دارد. معماری مادی که بعد از آشور تحت تأثیر معماری باشکوه اورارتو بود، با وارد کردن عوامل ایرانی، پایه گذار آثار درخشان دوران هخامنشی نظیر پارسه، تخت جمشید و شوش شد. بسیاری دیگر از نشانه های تمدنهای بین النهرین نیز از طریق مادها به هخامنشیان انتقال پیدا کرد، به طوری که تا قرنهای بعد، نظم دربار ایران و تقریباً بیشتر جنبه های باشکوه و فرهنگی جامعه ایران، از طرف

نویسندگان یونانی به مادها نسبت داده می شود. سلطنت ایشتویگو موقعیت ماد را از یک حکومت قدرتمند بر مبنای قدرت نظامی به مرکزی برای فرهنگ تغییر داد. آثار این نفوذ فرهنگی را در توجه بسیار شاهنشاهان هخامنشی به ماد، علاقه آنها به فرهنگ و آداب مادی، نفوذ دین مادی بین مردم ایران از طریق قبیله مغ، و با توجه به سنگ نوشته بیستون موقعیت ماد به عنوان مرکز فکری برای نیروهای مخالف دولت هخامنشی می توان دید.

با توجه به نوشته های کتزیاس که برای ماد و هخامنشیان استفاده از چرمینه سلطنتی را قائل بوده، به نظر می رسد ورود اعراب به سرزمین ایران در نیمه دوم قرن هفتم میلادی، موجب از بین رفتن باقی مانده کتابها و منابع اصیل و تاریخی ایران گشت. وقتی فرمانده لشکر اعراب به مداین دست یافت در آنجا کتاب های بسیار دید. نامه به خلیفه وقت نوشت و در باب این کتاب ها تکلیف خواست. خلیفه در پاسخ نوشت که آن همه را به آب افکن که اگر آنچه در این کتابهاست سبب راهنمایی است خدا برای ما راهنمایی فرستاده است و اگر در آن کتاب ها جز مایه گمراهی نیست خداوند ما را از شر آن ها در امان داشته است. یکی از آثار زیان بخش حمله اعراب به ایران، محو آثار علمی و ادبی این مرز و بوم بود.

با از بین رفتن منابع ایرانی، قسمت عظیمی از اطلاعات در دسترس را مدیون متون آشوری و یونان باستان هستیم و می توان بیان داشت هر تصویری که از ماد و پادشاهی آن داریم در واقع، به تلاش ایشان بوده است. این را هم می دانیم که آشور سالیان درازی، در منطقه حضور داشته و نسبت به تاسیس حکومت اقدام نموده و با گذشت سالیانی طولانی قدرتی را به دست آورده که رقیبی نداشته و همواره به صورت

از شنیده ها به خلق تاریخ پرداخته و در دوران بعدی دیگران گزارش آنها را پایه و مایه ی نوشته خویش قرار داده اند و کم کم تاریخی که ما امروز می شناسیم شکل گرفته است که پژوهشگر در مطالعات تاریخی خود چاره ای جز مراجعه به آنها ندارد البته داده های باستان شناسی می تواند ضعف اطلاعات را پوشش بدهد.

درباره کیفیت گزارش های مورخان یونانی مانند هرودوت، دیودروس سیسیلی، توکیدیدس و غیره که پژوهشگر امروز از مراجعه به آن بی نیاز نیست، خواننده غیر حرفه ای باید بداند که این گزارشها به ندرت حامل واقعیتهای بی چون و چرایند. در عین حال، از مجموع آنها تا حدودی می توان به برداشت های تاریخی شکل داد.

در هر دوره از تاریخ، با توجه به شواهد تاریخی، اختلافاتی که منتهی به جنگ بین یونان و سپس جانشین او (روم) با ایران باستان بوده است. جنگ های بین ماد و لیدی و ادامه آن از سوی هخامنشیان و گسترش آن تا یونان و حمله اسکندر به ایران و جنگ های طولانی اشکانیان و ساسانیان با روم و موارد دیگر بین ایران و دنیای غرب به دلایل موقعیت نظامی و غیره، مشکلاتی که این امر در بیشتر مواقع موجب تاثیر گذاری در قضاوتهای متقابل و در مواردی اظهار نظر غیر منصفانه و به دور از واقع گردیده است، بنابراین جامعه و فرهنگ ایرانی برای دنیای غرب (و چه بسا متقابلاً) دقیق شناخته شده نبوده و ممکن است تلاشی هم برای شناخت صحیح، به عمل نیامده باشد. با وجود اختلاف نظرهای شدید در بین مورخان یونانی که گاهی به مثابه مسابقه ای برای باوراندن نوشته های خود به دیگران می ماند آن چه که مشخص است متون یونانی :

تهاجمی، همسایگان خود را مورد غارت و چپاول قرار می داده است.

به راحتی می توان دریافت که فشارهای ناشی از تهاجم های بی وقفه و سهمگین دولت آشور به سرزمین های قبایل ماد و بومیان ایران از دلایل مهم برای اتحاد و مقابله با این یورش ها بوده است. آشور تنها دشمن این مناطق بوده و ایشان نیز در لشکر کشی های خود اقدام به ثبت رویدادهای مهم نموده که این منابع، خمیرمایه های اطلاعاتی پژوهشگران گردیده است. در متون آشوری، نمی توان از اوضاع و احوال مردم، فرهنگ و هنر و سیاست و... اطلاعات مناسبی را دریافت، و این بدان دلیل می باشد که این متون نه برای نگاشتن تاریخ ماد بوده است، بلکه یادگاری از اقتدار دولت آشور بوده که به نظر می رسد با اغراق فراوانی همراه باشد.

نظر به آنکه نویسندگان آثار مربوط به ماد با ایشان هم عصر نبوده اند در وهله اول، نمی توان انتظار انعکاس همه جوانب تاریخ ماد را داشت. نوشته های بازمانده از هرودوت تاکنون نخستین نگاه ثبت شده به تاریخ ایران باستان است که دیدگاه یک غیر ایرانی را درباره تاریخ و فرهنگ این سرزمین نشان می دهد. زمانی می توان آگاهی اندک در باره آن روزگار به دست آورد که گذشته دو ملت ایران و یونان به هم پیوند می خورد و این پیوند نگارنده ی غربی را وامی دارد در توصیف و گاه نکوهش دشمن یا رقیب و گاه هم پیمان خویش به داستان سرایی دست یازد و در نبود تاریخ، نام تاریخ بر آن نهد .

بیشتر این آثار یونانی مانند سفرنامه و خاطرات، معمولاً برداشت شخصی نویسنده است که گاه خود او شاهد رویدادی بوده و دیدگاه شخصی خود را درباره آن بیان کرده است و گاه با بهره گیری

آن بهره گرفته است. ظن قوی وجود دارد که هرودوت و مورخان قرون بعد از این نوشته ها استفاده کرده اند، بی آنکه اسم مولف را برده باشند. به احتمال، مهمترین منبع وی همانا روایت هایی است که به صورت شفاهی از دیگران شنیده است، بسیاری بر این رای پافشاری می کنند که تاریخ مادی که هرودوت نوشته از یکی از نوادگان هارپاک شنیده است و تاریخ پارس را از اشراف و اعیان پارس. اما اگر نوشته بعضی محققان را مبنی بر اینکه هرودوت هیچگاه به ایران نیامده بپذیریم این پرسش به میان می آید که وی چگونه با آنها در ارتباط بوده است؟

وجود مطالبی که بیشتر می تواند در یک جمع غیر علمی و محافل عمومی برای سرگرم کردن بیان شود در تواریخ هرودت، ارزش تاریخی و علمی کتاب را متزلزل نموده و از آن می کاهد. برای نمونه مطالبی که در باره وجود مورچه ای با اندازه ای بزرگتر از روباه یا نحوه آمیزش هندیان در انظار عمومی و از این دست، می تواند سایر مطالب کتاب را تحت تاثیر خود قرار دهد. به نظر می رسد تواریخ هرودت و کتزیاس و سایر مورخان ضمن آن که نتوانسته اند تصویری کامل و درست از تاریخ ماد ارایه نمایند، در بیشتر مواقع نیز بنا به نکاتی که در فوق آمد و به دلایل پیش گفته شده، ضمن روشن بودن یک جنبه گری، جنبه افسانه سرائی این متون به مراتب بیشتر از جنبه های واقعی آن می باشد. اما منابع آشوری به نوبه خود از معتبرترین منابع باقی مانده از آن دوران و به نحوی در باره تاریخ ماد می باشد. این متون ضمن آن که به نیت نگاشتن تاریخ نبوده و بیشتر به عنوان گزارشی از پیروزی های پادشاه آشور بوده، به نظر می رسد اگر بعضی اغراقها

(۱) نتوانسته به ابعاد مختلف تاریخ ماد پردازد،
 (۲) همینطور به دلیل هم عصر نبودن با ماد، میزان توانمندی ایشان در قضاوت درست و امکان تحلیل مناسب و کشف حقایق کم رنگ می نماید.
 (۳) مورخان یونانی موفق به حفظ بی طرفی خود نشده و نوشته هایشان بسان خدمتی بوده برای جامعه آن موقع یونان و غرب.

به عقیده بعضی محققان، هرودوت نوشته های خود را در آتن و در موقع بازیهای المپ برای یونانیان می خوانده است. چنانکه نقل شده آتنی ها در ازای تمجیدهایی که هرودوت از آنها کرده بود، ده تالان به او دادند. در نهایت اگرچه تواریخ هرودوت، دست کم در باره سرزمین های شرقی (ماد و هخامنشیان) در واقع بیشتر افسانه و غرض ورزانه است ولی به منظور خدمت به تبلیغات آتن در عصر پریکلس^{۲۹} برای خوشایند و روحیه بخشی به آتنی ها و کمک به ایشان در تسلط بر سایر دولت شهرهای یونانی و دشمنی با ایرانیان نوشته شده است. توجه بیش از حد هرودوت، به نقل حکایات و قصه های جانبدارانه اش از آتن و اعتقادش به تاثیرات فوق طبیعی و نیز برخی بی دقتی های آشکارش سبب شده اند تا برخی مطالب وی را معتبر ندانسته یا حداقل برای آن اعتبار کمی قائل شوند شاید همین جانبداری سبب شده است پژوهشگران درخواندن و بهره گیری از اثر هرودوت احتیاط بیشتری به خرج دهند چرا که مخاطب اصلی آن آتنی ها بوده و در نوشتن آن حس تعصب دخالتی آشکار دارد. نکته ای که بیشتر پژوهشگران بر آن اتفاق نظر دارند این است که هرودوت منابع و یا لااقل منبعی در اختیار داشته است و در نگارش تاریخش از

- (۱۱) سودایی، بیتا (۱۳۹۴): باستان شناسی ایران، جایگاه اجتماعی زنان نوازنده در ایلام نو، دوره ۵، شماره ۱، شوشتر، ۱۳۹۴
- (۱۲) عزیزاده، حسین و فیروزمندی، بهمن (۱۳۹۱): باستان شناسی ایران، تاثیرات فرهنگ و هنر مانا بر دوره هخامنشی، دوره ۲، شماره ۱ شوشتر، ۱۳۹۱
- (۱۳) فرای، ریچارد نلسون (۱۳۶۹): میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی
- (۱۴) کامرون، جورج (۱۳۹۶): ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران، علمی و فرهنگی
- (۱۵) کتزیاس (۱۳۹۰): پرسیکا، ترجمه فریدون مجلسی، تهران، تهران
- (۱۶) گزنفون (۱۳۸۴): بازگشت ده هزار یونانی، ترجمه حسینقلی میرزا سالور، تهران، اساطیر
- (۱۷) گزنفون (۱۳۹۲): کوروش نامه، ترجمه رضا مشایخی، تهران، علمی و فرهنگی
- (۱۸) گیرشمن، رومن (۱۳۹۴): ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی
- (۱۹) لازار، به به (۱۳۸۸): تاریخ آشور، سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری، تهران
- (۲۰) ملکزاده، مهرداد (۱۳۸۰): باستان پژوهی، یادداشت های باژگون درباره تاریخ و باستان شناسی دوره ماد، شماره ۸، پائیز ۱۳۸۰
- (۲۱) هرودوت (۱۳۸۹): تواریخ، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، اساطیر

- 1) Diakonoff I. M., **CYAXARES**, *Perseus Digital Library*, Online. Available at: <http://www.iranicaonline.org/articles/cyaxares-gk> Accessed: 15 December 1993.
- 2) Frye, Richard N. (1984): **The History Of Ancient Iran**, Munchen, C.H. Beck'sche Verlagsbuchhandlung
- 3) Luckenbill, Daniel David (1927): **Ancient Records of Assyria and Babylonia**, V II, University of Chicago,
- 4) Schmitt Rüdiger, **CLEITARCHUS**, *Perseus Digital Library*, Online. Available at: <http://www.Iranicaonline.org/articles/cleitarchus-gk> Accessed: 21 October 2011.

همینطور سکوت این متون را در بعضی مواقع ندیده بگیریم، می توان گفت تنها منابع خارجی یافت شده معتبر در باره گوشه ای از تاریخ جنگی و نظامی ماد می باشد. باید تاکید کرد که این متون نیز همانند منابع یونانی، فاقد استعداد بیان کلیه جهات تاریخ ماد می باشد به لحاظ این که این متون نه تنها برای ماد نگاشته نشده بلکه برای دشمن و آن نیز برای پیروزی های دشمن در سرزمین ماد بوده معلوم است که چنین متونی نمی تواند جنبه های مختلف تاریخ ماد را در بر داشته باشد.

منابع

- (۱) استرابون (۱۳۵۵): سرزمینهای تحت نفوذ هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران، جامی
- (۲) برو سوس کلدانی (۱۳۸۶): تاریخ یا بابلونیکا، ترجمه، نادر میرسعیدی، تهران، ارسباران
- (۳) پیرنیا، حسن (مشیرالدوله) (۱۳۹۱): تاریخ ایران باستان، تهران، مهتاب
- (۴) حمدالله زاده، منصور، (۱۳۸۹): سرزمین مانائیا، تهران، بهجت
- (۵) خدادادیان، اردشیر (۱۳۷۹): تاریخ ایران باستان، تهران، باستان
- (۶) _____، (۱۳۸۵): تاریخ یونان باستان، تهران، سخن
- (۷) دیاکونوف، ایگور م (۱۳۸۶): تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، علمی و فرهنگی
- (۸) راوندی، مرتضی (۱۳۵۴): تاریخ اجتماعی ایران، تهران، جامی
- (۹) زرین کوب، روزبه (۱۳۹۶): پژوهشهای علوم تاریخی، مکان یابی پرسوا، سال ۹، شماره ۱، تهران ۱۳۹۶
- (۱۰) سانسسی، کورت (۱۳۸۸): تاریخ هخامنشیان، جلد دوم، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، توس